

بررسی اعتصابات کارگران نفت ایران و انگلیس در تیر ماه ۱۳۲۵ ه.ش و پیامدهای آن

دکتر محمدرضا علم

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

سکینه کاشانی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اهواز، اهواز، ایران

kashani2000@gmail.com

چکیده

پس از اعطای امتیاز نفت جنوب به ویلیام ناکس داری در ۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م، که به شکل‌گیری شرکت نفت ایران و انگلیس منجر شد، این شرکت بنا بر نیاز خود در حوزه عملیات نفتی، شروع به استخدام کارگران ایرانی نمود و به تدریج و با ورود نیروی کاری که از دیگر مناطق ایران به خوزستان مهاجرت کردند و نیز توسعه تأسیسات نفتی، کارگران مناطق نفت‌خیز با مطالبات جدی شرکت را وارد چالش بزرگی نمودند. تمرکز بیش از هزاران کارگر در نقاط نفت‌خیز، در شرایط بد اقتصادی و معیشتی سرانجام به حضور و زمینه‌سازی عناصر چپ در میان کارگران، تشکیل اتحادیه‌های کارگری و نهایتاً اعتصابات کارگران شرکت نفت، منجر شد. در تیر ماه ۱۳۲۵ش یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری ایران از سوی کارگران مناطق نفت‌خیز خوزستان، به وقوع پیوست که موضع‌گیری شرکت نفت را نیز به دنبال داشت. پژوهش حاضر به بررسی پیامدهای این اعتصابات و چگونگی شکل‌گیری آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شرکت نفت ایران و انگلیس، اتحادیه‌های کارگری، حزب توده، شورای متحده

مقدمه

اتحادیه‌های کارگری در ایران در طول تاریخ شکل‌گیری خود با فراز و نشیب بسیار روبرو بوده است. جنبش کارگری ایران همزمان با انقلاب مشروطیت نمود پیدا کرد و در نخستین حرکت‌ها، با هدایت و مدیریت افرادی با گرایش‌های چپ، توانست اولین اعتصابات کارگری را رهبری کند. در خوزستان اما با تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۲۸۸ش/ ۱۹۰۹م و توسعه عملیات این شرکت، نخستین هسته‌های کارگری نفت شکل پیدا کرد. اما شرکت نفت با سیاست‌های خود توانست اوضاع را تحت کنترل درآورده و نسبت به هرگونه فعالیت کارگری در آن حوزه توجه خاص نشان دهد. در دوره رضا شاه علی‌رغم موانع بسیار برای فعالیت اتحادیه‌ها و احزاب، نخستین جرقه‌ها برای تحرکات سازمان‌یافته‌تر زده شد و نمایندگان کارگران خصوصاً در صنایع بافندگی، حمل‌ونقل و راه‌آهن به متشکل کردن کارگران و مطرح کردن خواسته‌های خود پرداختند. در جنوب نیز این تحرکات منجر به اعتصاب سال ۱۳۰۸ش کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس شد و شرکت نفت باز هم به مقابله و سرکوب جنبش کارگری پرداخت که منجر به اخراج و حبس و تبعید محرکین جنبش شد. جنبشی که در واقع نتیجه وضعیت نامناسب کارگران از یک سو و نفوذ عناصر محرک از سوی دیگر بود. کارگرانی که خواهان افزایش دستمزد، مسکن، تسهیلات بهداشتی و دیگر امکانات بودند و مطالبات آنها موازی با تعهدات شرکت دانسته می‌شد. اما با برکناری رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ش، مبارزات کارگری نیز شکل دیگری به خود گرفت. با تأسیس حزب توده، این حزب، رهبری جنبش‌های کارگری را به دست گرفت و خوزستان مقر شرکت نفت، به یکی از کانون‌های قدرت و نفوذ حزب توده تبدیل شد. با ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم حامیان جنبش‌های کارگری با این حزب، سرانجام یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری نفت در تیر ماه ۱۳۲۵ش شکل گرفت.

اما این پژوهش ضمن بررسی اعتصابات تیرماه ۱۳۲۵ش، در پی پاسخ به این سوال است که: اعتصابات کارگران صنعت نفت در این سال چه پیامدهایی را به دنبال داشته و کارگران چقدر در رسیدن به خواسته‌های خود موفق بوده‌اند؟

به نظر میرسد که این اعتصاب اگر چه به کشته شدن تعدادی و بازداشت جمعی رهبران آن منجر شد، تا حدودی عقب‌نشینی موقت شرکت نفت ایران و انگلیس را سبب شد.

شرکت نفت ایران و انگلیس و استخدام کارگران ایرانی

در جریان رشد و توسعه حوزه‌های نفتی خوزستان، اشتغال با سرعت زیاد افزایش یافت و تا سال ۱۳۰۰ش/ ۱۹۲۰م به ۲۰۰۰۰ کارگر رسید. این تعداد همچنان افزایش یافته در سال ۱۳۳۰ش/ ۱۹۵۱م به ۵۵۰۰۰ کارگر بالغ شد و ۱۵۰۰۰ کارگر دیگر نیز برای پیمانکاران شرکت نفت کار می‌کردند. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۸۷) در ابتدا، این نیروی کارگری برای کارهایی که احتیاج به آموزش خاصی نداشت مورد استفاده قرار گرفت. اما مسأله استخدام کارگران و کارکنان ایرانی در شرکت نفت، از همان ابتدای تأسیس شرکت، مورد اختلاف دولت ایران و شرکت نفت بود. پس از آنکه اختلافات شرکت و دولت ایران منجر به قرارداد ۱۹۳۳م/ ۱۳۱۲ش شد، اینک از شرکت نفت ایران و انگلیس، انتظار می‌رفت که طبق قرارداد جدید شرایط کاری بهتری برای شاغلین در شرکت فراهم کند. بر طبق بند یک ماده شانزدهم این قرارداد مقرر شده بود که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را به اندازه‌ای که اشخاص ذی‌صلاحیت و با تجربه در ایران یافت می‌شود، از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستخدمین غیرفنی کمپانی منحصرأ از اتباع ایران خواهند بود و دیگر اینکه بر طبق بند دو، طرفین موافقت می‌نمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتبأ مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و به جای آنها به طور تصاعدی در کوتاه‌ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند. (لسانی، ۱۳۵۷: ۲۲۳)

اما آنچه شرکت به آن استناد می‌کرد بند یک یا قسمت اول آن بود که می‌گفت "طرفین تصدیق دارند و قبول می‌نمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد می‌باشد، آن است که در منافع طرفین حفظ حد اعلائی منتج بودن و صرفه‌جویی در اداره عملیات کمپانی ضرورت دارد." (فاتح، ۱۳۸۴:

۴۳۰) زمان زیادی از تحکیم پایه‌های شرکت در ایران نمی‌گذشت که نخستین درخواست‌ها برای بررسی طرز عمل شرکت در مقابل نیروی کار بروز کرد. "نظر به اینکه عده عملیات کارخانه‌های نفت جنوب روز به روز در تزايد و نظر به فقدان قوانین و نظامات لازمه برای جلوگیری از تعدیات کارفرمایان- هر روزه اجحافات‌ی به عمل‌جات ایرانی شده و مخصوصاً در مواقع پیش‌آمد حوادث غیرمترقبه هم آن طور که شاید و باید جریان حوادث مزبور به عمل نمی‌آید." (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۴۶۵) اما به نظر می‌رسید هیچ‌گونه بازرسی جدی از طرف دولت ایران در این زمینه وجود نداشت و نهایتاً نیز این درخواست‌ها منتج به نتیجه نبود.

در هر صورت شاغلین در صنعت نفت، بخش قابل توجهی از نیروی کار آن روز ایران را تشکیل می‌دادند و توجه به آنها و خواسته‌هایشان مهم به نظر می‌رسید. با توجه به مطالبات اقتصادی کارگران برای افزایش دستمزدها و بهبود محیط کار به نظر می‌رسید آنچه برای شرکت اولویت داشت صرفه‌جویی و بهره‌وری عملیات نفتی بود. به تدریج این وضعیت نامناسب زمینه‌ساز حضور عناصر چپ در میان کارگران نفتی و تشکیل اتحادیه‌های کارگری شد که سرانجام اعتصابات کارگری را نیز سبب شد و به تدریج انتظارات از شرکت نفت پایه و اساس اعتصابات بعدی را فراهم ساخت. شاید از قدیمی‌ترین نمونه‌های درخواست‌ها و مطالبات کارگری که تا پایان فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس نیز ثابت و دراعتصابات مورد تقاضای کارگران بود در اعلامیه جمعیت اجتماعیون مستقل آمده باشد: "نظر به اینکه در موقع اعطای امتیازات مخصوصاً امتیازاتی که به کمپانی‌های خارجه داده می‌شود بایستی در ضمن ملاحظه منافع مالیه دولت و اقتصاد مملکت حقوق و مصالح کارگران و نفوس ایرانی نیز کاملاً مرعی و منظور گردد. چه از بدیهیات است تأمین صلاح و رفاهیت کارگران که قسمت عمده نفوس را تشکیل می‌دهند. ولی متأسفانه می‌بینیم که در بعضی شرکت‌ها و تأسیسات مثل نطف جنوب به هیچ وجه این مساعی مراعات نشده و مسجد سلیمان و عبادان که بایستی نگین حوزه ثروت و سعادت ملت ایران به شمار رود، محل رنج و محنت هزاران نفوس گردیده است." (همان سند)

در ادامه این جمعیت از رئیس‌الوزرا می‌خواهد که در امتیازات آتیه مخصوصاً امتیاز نفت شمال این موارد رعایت گردد.

۱- تعیین نمودن حداقل مزد و حداکثر کار روزانه کارگران توسط هیأتی از نمایندگان دولت و کمپانی

۲- تعطیل یک روز در هفته با استفاده از مزد

۳- حمایت از کارگرانی که در حین کار صدمه جسمانی می‌بینند.

۴- ایجاد تسهیلات لازم و نظامات صحی و منازل و مایحتاج اولیه ارزان برای کارگران

۵- تشکیل محکمه‌ای متشکل از نمایندگان کارگران، کمپانی و دولت برای رفع اختلافات حاصله بین کارگران و کمپانی (همان منبع)

نخستین تحركات کارگری نفت

سیاسی شدن تدریجی کارگران مهاجر ایرانی در خارج از کشور (قفقاز)، به گسترش عقاید رادیکال در ایران انجامید. عامل عمده‌ی ترویج این عقاید کارگران مهاجر، به ویژه آنانی بودند که به‌صورت فصلی در ایالت‌های آسیایی روسیه مشغول کار شدند. انتقال عقاید رادیکال در خصوص نیاز به سازمان‌های کارگری زمینه را برای پیدایش جنبش کارگری در ایران مهیا کرد (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۳۰) منابع در این مورد توافق دارند که منشأ جنبش کارگری و البته کمونیستی ایران از فعالیت گروهی به نام عدالت شکل می‌گیرد. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۴۴) گروه اجتماعیون عامیون و سوسیال دموکرات‌ها که از سال ۱۲۸۴ش به عنوان سازمانی وابسته به جمعیت همت تشکیل شده بود، در سال ۱۲۹۳ش نام عدالت را بر خود نهاد و بعدها به حزب کمونیست ایران تبدیل شد. (مقصودی، ۱۳۸۹: ۱۹۹ و ۲۰۰)

اما قبل از آن بخش مزدبگیر جمعیت ایران هنوز جزء بسیار کوچکی از جمعیت را تشکیل می‌داد که بسیار پراکنده بود و به ندرت با فن‌آوری مدرن سروکار داشت. بنابراین نمی‌توانست نیروی اجتماعی موثری باشد که بتواند به نحو اثربخشی برای حقوق اقتصادی و اجتماعی خود یا آزادی-های سیاسی به طور کلی مبارزه کند. (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۳۲) اتحادیه‌های صنفی در آن زمان اتحادیه‌های کارگری نبوده و بیشتر شبیه سازمان‌های تعاونی دارای سرشت صنفی بودند. این سازمان‌ها غالباً در شمال ایران، یعنی در مناطقی وجود داشتند که تعداد کارگران و پیشه‌وران چشم-گیر بود و آنان آگاهی بیشتری از وضع کارگران روسیه در مقایسه با سایر نقاط داشتند. (ذبیح، ۱۳۶۴: ۱۰۶)

کمیته عدالت در سال ۱۲۹۹ش در نخستین کنگره خود در بندر انزلی تأسیس حزب کمونیست ایران را اعلام کرد و کارگران و دهقانان ایران را به تشکیل اتحادیه‌های کارگری دعوت کرد. در سال ۱۳۰۰ش حدود ده اتحادیه کارگری تشکیل شده بود. این اتحادیه‌ها، اتحادیه عمومی مرکزی کارگران را تشکیل دادند. از همان سال به بعد فعالیت سیاسی در بین کارگران ادارات و سازمان-های دولتی نیز به‌ویژه در شرکت نفت ایران و انگلیس گسترش یافت (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۹۲)

سرانجام در ۹ دسامبر ۱۹۲۰م/۱۷ آذر ۱۳۰۰ش، حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران هندی پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زده و خواستار افزایش دستمزد شدند. روز بعد نیز کارگران ایرانی پالایشگاه به تاسی از آنان دست به اعتصاب زده و خواسته‌های مشابهی را عنوان کردند. (بیات، ۱۳۷۰: ۱۲) شرکت ناچار برای آرام کردن کارگران تسلیم شد و دستمزد آنها را ۸۰ درصد افزایش داد و مدیر بعدی که تازه از راه رسیده بود، کوشید سیستم طبقه‌بندی دستمزد و شرایط کار و زندگی کارگران را بهبود بخشد. (فلور، ۱۳۷۱: ۴۴) در سال ۱۹۲۲م/۱۳۰۱ش بار دیگر کارگران هندی، ایرانی و تازی در آبادان دست به اعتصاب زده، خواستار افزایش حقوق خود شدند. از قرار این بار توافقی حاصل نشد و به اخراج ۲۰۰۰ کارگر هندی انجامید. نماینده سیاسی انگلیس با رهبران آنها به تفصیل گفتگو کرد ولی رهبران تسلیم نشدند. چون حقوق آنها در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م هشتاد درصد افزایش یافته بود، خواسته‌هایشان نامعقول دانسته شد. هنگامی که

کارگران حاضر نشدند به سرکارهای خود بازگردند، آنها را به سبب نقض کردن قرارداد به هند فرستادند. (همان منبع: ۴۸ سرانجام شرکت با ۷۵ درصد افزایش دستمزد موافقت کرد و شرایط به- طور نسبی تا ماه مه ۱۹۲۹م/ اردیبهشت ۱۳۰۸ش آرام بود. (ساتن، ۱۳۷۲: ۷۷)

پس از این شورش‌ها سفارت انگلیس نسبت به هر فعالیت کمونیستی در حوزه شرکت نفت توجه نشان داد. در ژوئیه ۱۳۰۱ش/ ۱۹۲۲م سفارت گزارش می‌دهد که هشت کمونیست ایرانی از باکو آمده‌اند و دستور دارند که به منظور رواج دادن پندارهای کمونیستی در میان کارگران حوزه- های نفتی مشغول شوند (فلور، ۱۳۷۱: ۴۸)

سرانجام اعتصاب عمومی بیش از ۹ هزار کارگر (از مجموع ۱۰هزار نفر) در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸ش آغاز شد. (وزیری، ۱۳۸۰: ۱۲۲) اعضای هیئت ایالتی که در زندان آبادان بودند، دستور اعتصاب عمومی را دادند و در روز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۸ش کلیه کارگران تصفیه- خانه آبادان که افتخاری تعداد آنها را ۱۴ هزار نفر می‌داند، اعتصاب کردند. خواسته‌های آنان شامل دستمزد بیشتر، هشت ساعت کار، مرخصی سالانه با استفاده از حقوق، خانه سازمانی و رسمیت اتحادیه بود. اگر چه شرکت در خواست افزایش دستمزد را برآورد، نیروی دریایی انگلستان ناوچه توپداری را به بصره فرستاد و مقامات ایرانی بیش از پانصد کارگر را دستگیر کردند. وزیر امور خارجه انگلستان به سبب حل و فصل سریع و مؤثر امر رسماً از شاه تشکر کرد. تعدادی از دستگیرشدگان به زندان خرم‌آباد فرستاده شدند و از آنها که آزاد شدند تعهد گرفته شد که به خوزستان و فارس مسافرت ننمایند. پنج تن از رهبران آنها از جمله یوسف افتخاری تا سال ۱۳۲۰- ش در زندان بودند. (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

نفوذ حزب توده در میان کارگران شرکت نفت

در شهریورماه ۱۳۲۰ که ایران توسط متفقین اشغال شد و رضا شاه از حکومت کناره گرفت، با اعلام عفو عمومی زندانیان سیاسی نیز از زندان آزاد شدند و هر یک به طریقی فعالیت مجدد خویش را آغاز کردند. حزب توده نیز یکی از همین گروه‌های سیاسی بود که در مهر ماه ۱۳۲۰ش با حضور باز ماندگان گروه ۵۳ نفر و برخی دیگر از فعالین کمونیستی ایران در منزل سلیمان میرزا اسکندری تشکیل شد و از همان زمان فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. (چپ در ایران، ۱۳۷۹: ۷)

در مورد سابقه تاریخی شعبه مرکزی کارگری؛ در واقع پس از تأسیس حزب توده بود که این حزب، در سال ۱۳۲۱ش تصمیم گرفت یک شعبه امور سندیکائی به وجود آورد. وظیفه این شعبه متشکل کردن کارگران کارخانه‌ها و حرفه‌ها در اتحادیه‌های کارگری بود. رضا روستا مسئولیت این شعبه را به عهده گرفت و نام شعبه را شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران انتخاب نمود که پس از الحاق گروه یوسف افتخاری، جدای از خود یوسف افتخاری و گروه دکتر جاوید در اردیبهشت ۱۳۲۳ش و نیز چندین اتحادیه دیگر به شورای متحده مرکزی تبدیل می‌شود. (حزب توده از شکل-گیری تا فروپاشی، ۱۳۸۷: ۵۷۳) در اوایل ۱۳۲۵ش به یکباره اتحادیه کارگران نفت خوزستان تشکیل شد و پیوستگی خود را به شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران اعلام داشت. (همان منبع: ۵۷۵) اما به نظر می‌رسد، حزب توده و شورای متحده از همان آغاز و در واقع چند سال پیش از اعتصابات ۱۳۲۵ش در خوزستان حاضر شده بودند اما حزب توده ایران در این زمان به منظور حفظ آرامش پشت جبهه شوروی در زمان جنگ از اعتصاب کارگران کارخانجات اسلحه‌سازی و کارگران نفت آبادان برای افزایش دستمزد و امتیازات صنفی جلوگیری کرد. (گذشته چراغ راه آینده است، ۱۳۵۷: ۱۸۳)

جوانشیر معتقد است که در شرایط جنگ چاره‌ای نبود جز آنکه حزب توده ایران در آن مناطق از شیوه‌های دیگر سازمانی و تا حدودی غیرعلنی استفاده کند. در این زمان شرکت نفت از فعالیت حزب توده ایران و شورای متحده کارگران در خوزستان جلوگیری می‌کرد. (جوانشیر، بی‌تا: ۱۲) اما

در مورد دلایل جذب اقبال مختلف در حزب توده می‌توان موارد مختلفی را ذکر کرد که شاید چهره آرمان‌خواهی حزب توده در شرایط خاص آن روز ایران در این مورد بیشترین تأثیر را داشت. آنچه که در مورد کارگران شرکت نفت نیز تا حدودی صادق است و در آن شرایط حزب توده صدای کارگران شده بود. در واقع حزب توده توانسته بود با رصد اوضاع مناطق نفت‌خیز به خوبی شرایط این مناطق را دریابد و به زمینه‌سازی بر اساس آن بپردازد. بی‌شک دیر یا زود نقش پررنگ حزب توده در اوضاع و شرایط آن روز ایران و این که حزب از بازیگران اصلی صحنه آن زمان بوده است به میدان‌های نفتی نیز کشیده می‌شد.

اعتصابات نیر ماه ۱۳۲۵ش کارگران شرکت نفت در خوزستان

پس از سازمان یافتن فعالیت‌های کارگری، دامنه این تحرکات به خوزستان نیز کشیده شد. آبراهامیان معتقد است که در خوزستان بود که موفقیت بسیار شایان حزب توده نمایان شد. پس از چهار سال فعالیت مخفی در بین کارگران نفت، حزب توده در سال ۱۳۲۵ش با راه‌پیمایی عظیم هشتاد هزار نفری روز اول ماه مه، در آبادان وارد صحنه شد. یکی از نمایندگان حزب کارگر پارلمان انگلیس پس از سفری رسمی به خوزستان اظهار کرد که ادبیات کمونیستی، کارگران کم-سواد را تحت تأثیر قرار داده است و ۸۱ هزار نفر که مایل به مشارکت جدی‌ترند، یک قدرت کارگری هستند که باید به آنها توجه کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۷۳) در اردیبهشت ۱۳۲۵ش همچنان که در آبادان تحرکات و اعتصابات در اعتراض به اخراج نماینده کارگران شاکی کارگاه تعمیر لوکوموتیو صورت گرفت، در آغاجاری نیز یکی از بزرگترین اعتصابات کارگران نفت شکل گرفت (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۱۸) درمورد تعداد اعتصابگران آمارهای مختلفی گفته شده است. تعداد کارگران حاضر در این اعتصابات را جان فوران دو هزار نفر می‌داند (فوران، ۱۳۸۹: ۴۱۷) و لاجوردی می‌گوید که طبق برآورد شرکت نفت سه هزار تن از کارگران مناطق نفت‌خیز در این اعتصاب شرکت داشته‌اند و شورای متحده خوزستان نیز مدعی شد که ده هزار تن به اعتصاب

پیوستند. (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۲۱) لسانی نیز که وکالت اعتصابیون شرکت نفت در تیر ۱۳۲۵ش را در دادگاه موقت نظام و دادگاه تجدید نظر بر عهده داشت، معتقد است که ده هزار نفر از کارگران شرکت نفت در آن اعتصاب شرکت کردند و از تاریخ ۱۴ تا ۲۹ اردیبهشت ماه ادامه داشت. (لسانی، ۱۳۵۷: ۳۵۶) تقاضاهای کارگران در این اعتصاب عبارت بود از:

۱- افزایش دستمزد

۲- ساختن خانه برای کارگران

۳- تهیه خواروبار و آب و یخ توسط کمپانی

۴- استخدام دکتر و قابله و تأسیس درمانگاه و بهداری برای کارگران

۵- پرداخت مزد روز جمعه یعنی مزد یک روز تعطیل در هفته (همان منبع: ۳۵۶)

از قرار شرکت نفت کتبا تقاضاهای اولیه کارگران را قبول نمود و راجع به مزد روز جمعه نیز تعهد کرد به محض اینکه قانون کار تصویب شود، شرکت نیز حقوق روز جمعه را بپردازد. (همان منبع: ۳۵۷) وقتی که هیئت اعزامی به آغاچاری رفت، کارگران را متقاعد کرد که از صبح چهارم خرداد ماه مشغول کار شوند و ظرف دو روز ترتیب پرداخت مبلغی را که در مدت اعتصاب باید دریافت داشته باشند، خواهد شد ولی شرکت تقاضا داشت که دستمزد ایام اعتصاب به عنوان دیگری پرداخت شود تا این عمل سابقه نشود و نیز اظهار داشتند که در خوزستان عده‌ای که صورت آنها به ادارات محلی داده شده کارگران را تحریک و آرامش خوزستان را مختل و تولید زحمت برای شرکت نموده‌اند و تقاضا داشتند دولت تصمیمی برای دور کردن این اشخاص از خوزستان اتخاذ نماید. (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۸/۸۰۲۳۰) اما در تیر ماه سال ۱۳۲۵- ش در خوزستان، که با وجود نزدیک به ۵۲۰۰۰ کارکنان شرکت نفت در آن، استان شرکت نفت به حساب می‌آمد، (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۰۷) دومین اعتصاب بزرگ سال، که هم گسترده‌تر از اعتصاب آغاچاری بود و هم تبعات بیشتری داشت، رخ داد که منجر به درگیری بین کارگران و اتحادیه

اعراب و کشته شدن ۴۶ نفر و زخمی شدن ۱۷۰ نفر گردید. (گذشته چراغ راه آینده است، ۱۳۵۷: ۳۷۸) ماجرای این اعتصاب از آنجا شروع شد که وقتی کارگران در اعتصاب یازدهم تیر ماه خواهان مطالبات اقتصادی چون افزایش سالانه دستمزدها و نیز پرداخت دستمزد روزهای جمعه شدند، شرکت از آنها مهلت خواست تا برای پاسخ نهایی با لندن مذاکره کند و در این بین اتحادیه عشایر یا اتحادیه عرب که قبل از آن در خرمشهر فعالیت داشتند، تصمیم گرفته بودند که در آبادان نیز کلوپ خود را با جشن رسمی افتتاح کنند. لسانی که در جریان دادرسی اعتصابیون قرار داشته، معتقد است که با فعالیت‌های شرکت نفت و طبق نقشه این شرکت مقدمات درگیری و ایجاد آشوب در آبادان فراهم شد و از آنجا که اتحادیه اعراب تاریخ جشن خود را نیمه شعبان قرار داده بود، آنها نیز از کارگران برای ارجاع درخواست آنها مبنی بر دستمزد روز جمعه، مهلت یازده روزه خواستند تا با جشن کلوپ عشایر همزمان شده و درگیری رخ دهد (لسانی، ۱۳۵۷: ۳۶۶) و برای اینکه حادثه را شدیدتر نمایند، ضمن اعلان عمومی استخدام در آبادان، سبب هجوم عده زیادی به این شهر شد و در نتیجه در زمان اعتصاب کارگران، این بیکاران نیز از موقع استفاده کرده و شروع به غارت دکاکین و خانه‌های مردم نمودند و با شلیک تیری از نقطه نامعلوم این اعتصاب به خشونت کشیده شد. (همان منبع: ۳۶۸) کارگران که از بامداد یکشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ش اعتصاب عمومی را آغاز کرده بودند (در سرتاسر نواحی نفت خیز خوزستان چون آبادان، مسجد سلیمان، آغاچاری، دارخوین، کوت عبدالله، هفتکل و اهواز، بندر معشور (ماهشهر) و گچساران، درخواست‌های خود را چنین عنوان کرده بودند:

۱- احضار مصباح فاطمی و تعیین یک استاندار بی طرف

۲- خلع سلاح عشایر جنوب

۳- عدم دخالت شرکت نفت در امور سیاسی و داخلی ایران

۴- پرداخت حقوق جمعه‌ها به کارگران

۵- جلوگیری از تضییقات نظامی که در سوسنگرد، دارخوین و بندر معشور دیده می- شد. (گذشته چراغ راه آینده است، ۱۳۵۷: ۳۷۸) شورش‌ها تا صبح روز بعد که هیأتی اضطراری از تهران به فرودگاه آبادان وارد شد، ادامه یافت. این هیأت شامل مظفرفیروز از حزب دموکرات، رادمش از حزب توده و جودت از شورای متحده بود. پس از شش ساعت بحث و گفتگو با شرکت نفت، استاندار و اتحادیه‌های حزب توده، هیأت اعزامی مصالحه‌ای میان طرفین مخاصمه برقرار کرد. طبق این توافق، حزب توده پذیرفت که به اعتصاب عمومی پایان دهد. از درخواست‌های برکناری استاندار بگذرد و اتهامات و حملات تند خود را به شرکت نفت و اتحادیه عرب متوقف سازد. متقابلاً، مقامات نظامی رهبران اتحادیه را آزاد کردند و شرکت نفت هم با پرداخت حقوق روزهای تعطیل و هم با افزایش حداقل دستمزد روزانه به ۳۵ ریال موافقت کرد. (همان منبع: ۳۳۱) و در پایان تیرماه خود اعضای اتحادیه هم سعی در آرام کردن محیط داشته و آن‌طور که در گزارش شهربانی مسجدسلیمان آورده شده تعدادی از افراد شورای متحده کارگران در مسجدسلیمان ضمن اشاره به اینکه ورود فرماندار نظامی به نفع کارگران است، به افراد جهت حفظ انتظامات هشدار می‌دادند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره کلاس ۳۴۸۶۰۰۰۰۳)

ک.ب. راس مدیر عملیات شرکت و ماک کوئین مدیر کارگران که از نزدیک درگیر عملیات پالایشگاه بودند، معتقد بودند که جنبش کارگری خوزستان زاییده نارضایتی کارگران از وضع زندگی پرمشقتشان بود ولی اکثریت از نظر مطرح‌شده از سوی شرکت، که می‌گفت شورای متحده خوزستان ابزار ترفند شوروی در میدان‌های نفت است، جانبداری می‌کردند. (لاجوردی، ۱۳۶۹:

پیامدهای اعتصابات تیر ماه ۱۳۲۵ش

در ۱۳۲۶ش وزارت کار نشریه ویژه‌ای درباره فعالیت سندیکایی و اعتصابات ۱۳۲۵ش در خوزستان منتشر کرد. این نشریه فعالیت کارگران را ناشی از تحرکات حزب توده دانسته، می‌آورد:

" یک حزب یا یک اتحادیه ناگهان و مانند قارچ از زمین نمی‌روید بلکه عوامل و اسبابی در بوجود آوردن آن دخالت داشتند و پس از بوجود آمدن، همان عوامل و اسباب در انحطاط یا ترقی جمعیت متحد تأثیر بسزا خواهد داشت. در خوزستان تشکیلات کوچکی که معلوم نیست از چه موقعی بوجود آمده و به قول کارگردان‌های شورای متحده مرکزی در حال استتار بود، ناگهان وسیع و بزرگ شد و حصول این وسعت و بزرگی آنقدر غیرمنتظره بود که هر شخص بی‌طرفی قضاوت می‌کرد که یک دست مرموز و قوی در توسعه تشکیلات کارگری خوزستان حضور داشته است." (شورای متحده ایالتی خوزستان، ۱۳۲۶: ۹) این نشریه همچنین در وابستگی اتحادیه خوزستان اشاره می‌کند که " این اتحادیه در کلیه اقدامات خود از تصمیمات حزب توده ایران پیروی می‌کرده و اصولاً تشکیلات کارگری در خوزستان اجتماعی بود که برای انجام منظوره‌های سیاسی بوجود آمده و جز مبارزات سیاسی نقشه‌ای نداشت." (همان منبع، همانجا)

بدین ترتیب هزاران کارگری که البته اعتقاد به حزب توده قویا نمی‌توانست در میان همه آنها وجود داشته باشد، مورد توجه قرار گرفتند. اما اتهامات آنها مبنی بر گرایش کمونیستی، دستورالعمل‌ها و اقدامات امنیتی خاصی را هم به دنبال داشت. در واقع اینگونه تلقی نسبت به علل و انگیزه‌های اعتصابات خوزستان سبب جهت‌گیری بعدی از سوی شرکت نفت شد. اما درمورد مطالبات اقتصادی و معیشتی کارگران، شرکت نفت با درخواست یک روز تعطیلی در هفته موافقت نموده و با توجه به آنکه این اعتصاب سبب شده بود تا شرایط زندگی کارگران درصداً اخبار قرار گیرد، توجه بیشتری به بهبود اوضاع کارگران نمود. اگرچه به نظر می‌رسید، رویکرد موقت شرکت نفت در این مورد نمی‌توانست شرایط را تغییر دهد. توجه به حقوق کارگران و شکل‌گیری قانون کار مدونی که ضامن اجرایی نیز داشته باشد، می‌توانست عامل مهمی در راضی

نگه‌داشتن کارگران و عدم شرکت آنها در اعتصابات کارگری باشد. قوام‌السلطنه در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ش ضمن اینکه تحولات خوزستان را با دقت پیگیری می‌کرد، وزیران را واداشت تا قانون کار را که یکی از خواسته‌های کارگران بود به تصویب رساندند. تعیین حداقل دستمزد بر اساس قیمت محلی مواد غذایی، منع کار کودکان، محدود شدن کار روزانه به هشت ساعت، لزوم پرداخت حقوق برای روزهای جمعه و شش روز تعطیل از جمله روز کارگر و اجازه یافتن اتحادیه‌ها به داشتن سازمان و تشکیلات و مذاکره با لویی‌سایان وعده داده شده بود. (طاهر احمدی، ۱۳۷۸: ۵۵) به هر ترتیب قانون کار، شکل‌گیری اتحادیه کارگری به نام اسکی و بالاخره دعوت قوام از حزب توده برای شرکت در کابینه که در مرداد ۱۳۲۵ش صورت گرفت، به نظر می‌رسید مویذ این نکته بود که این امتیاز را از مدعیان رهبری طبقه کارگر و منجیان اصلاحات در ایران سلب می‌کرد که در مقام اپوزسیون، دولت را به ناباوری و سستی در اجرای اقدامات اصلاح طلبانه متهم کنند. (شوکت، ۱۳۸۵: ۲۵۰) اما استفاده قوام از سه وزیر توده‌ای در کابینه خود، نتایج دیگری چون دلخوری انگلیسی‌ها و شورش عشایر جنوب را نیز به همراه داشت. هرچند درمورد شکل‌گیری نهضت مقاومت جنوب دلایل مختلفی گفته شده است، اما به نظر می‌رسید بهانه این حرکت توجه به توده‌ای‌ها عنوان شد و نهایتاً سبب شد این بار قوام سیاست دیگری را پیش بگیرد. وی ضمن کنار گذاشتن وزرای توده‌ای، ضدکمونیست‌های سخنگیری را به استانداری اصفهان، خوزستان، گیلان و مازندران گماشت. این استانداران با برقراری حکومت نظامی، دوازده روزنامه دست چپی را بستند، دفاتر حزب توده را اشغال کردند و ۳۴۰ فعال حزبی را دستگیر کردند. (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۱۵) و بدین ترتیب در سال ۱۳۲۶ش جنبش اتحادیه‌های کارگری سخت آسیب دید. پیش از این و در دی ماه ۱۳۲۵ش یوسف افتخاری از جمله کارگردانان اعتصاب ۱۳۰۸ش سعی کرد دوباره کارگران نفت را متشکل کند و تشکیل اتحادیه کارگران نفت را به اطلاع عموم رساند. به نظر می‌رسید این بار شرکت نفت مانع کار یوسف افتخاری نخواهد بود و فرماندار نظامی آبادان نیز ساختمان‌ها و اثاثیه شورای متحده خوزستان را که مصادره کرده بود در اختیار اتحادیه کارگران گذاشت. اما از این اتحادیه استقبال لازم به عمل نمی‌آید و افتخاری دلسرد شده و خوزستان را ترک می‌کند. در خرداد ۱۳۲۶-ش، شاپور بختیار که رئیس اداره کار خوزستان بود، دست به تشکیل اتحادیه کارگران

زد(لاجوردی، ۱۳۶۹: ۲۵۹) و در بهمن ۱۳۲۶ش کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس اتحادیه کارگران خوزستان را تشکیل دادند که مرکب از چهار شاخه جداگانه بود: آبادان، مسجدسلیمان، هفتکل و لالی. اما این اتحادیه نیز مورد استقبال قرار نگرفت(همان منبع: ۲۶۰) و طبق گفته کیانوری، دلیل این امر آن بود که همه کارگران، این اتحادیه را آلت دست شرکت و بختیار می- دانستند.(کیانوری، ۱۳۷۶: ۱۸۳)

بدین ترتیب فعالیت‌های کارگری دچار رکود شد تا دوره‌ای که ملی شدن صنعت نفت به صورت جدی مطرح شد و مطالبات جدید مورد توجه قرار گرفت. آمار نشان می‌دهد که تعداد اعتصاب‌ها از ۴-۵ مورد در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۴۸م/۱۳۲۹-۱۳۲۷ش به ۴۲ مورد در سال‌های ۱۹۵۱م/۱۳۳۰ش، ۵۵ مورد در ۱۹۵۲م/۱۳۳۱ش و ۷۱ مورد در ۸ ماهه اول سال ۱۹۵۳م/۱۳۳۲ش رسیده بود.(فوران، ۱۳۸۹: ۴۳۰) علاوه بر این رقابت برای تصاحب شغل حتی با شرایط نامناسب در مقابل هزاران نفر که جویای کار بودند و وعده‌های شرکت مبنی بر بهبود اوضاع کارگران نیز در فروکش کردن تحرکات کارگری نقش داشت.

نتیجه گیری

اعتصاب کارگران صنعت نفت در تیر ماه ۱۳۲۵ش در خوزستان، یکی از بزرگترین اعتصابات صنعتی تاریخ ایران محسوب می‌شود، که تا حدودی سبب عقب‌نشینی شرکت نفت ایران و انگلیس شد و در این میان اگر چه کارگران پس از اعتصاب به امتیازاتی دست یافتند، اما در نهایت بازداشت جمعی رهبران اعتصاب را نیز به دنبال داشت. این جنبش نتیجه وضعیت نامناسب کارگران از یک سو و نفوذ حزب توده در تشکیلات کارگری صنعت نفت از سوی دیگر بود. با شکل‌گیری شورای متحده ایالتی در خوزستان و ساماندهی تحرکات کارگری نفت که از اردیبهشت ۱۳۲۵ش در شهرهایی چون آغاچاری و آبادان آغاز شده بود، اعتصابات کارگری نفت وارد مرحله تازه‌ای شد. این جریان محرک ابتدا با نفوذ عناصر کمونیست در میان کارگران در دوره رضا شاه و پس از تشکیل حزب توده با حضور افراد این حزب به بالا رفتن روحیه اعتماد به نفس در کارگران و سرانجام شکل‌گیری اعتصابات منجر شد. اگر چه این اعتصابات، مقابله جدی شرکت نفت ایران و انگلیس را به دنبال داشت، اما تا اندازه‌ای کارگران را در بیان خواسته‌های خود مصمم کرد. کارگران نفتی وقتی مطلع شدند که بناست برای حقوق بیشتر و خانه و امکانات بیشتر تجمع کنند و در این اجتماع اکثر کارگران حضور دارند و ترس از اخراج از شرکت نفت نیز لاف‌ل در آن برهه به وسیله رهبران اعتصاب که تهییج‌کننده آنها نیز بودند، از بین رفته بود، وارد عرصه شدند به هر روی پس از برخوردها و درگیری‌هایی که بین کارگران اعتصابی با طرفداران اتحادیه اعراب در تیر ماه ۱۳۲۵ش پیش آمد، سران جنبش داوطلبانه اسلحه‌های خود را تحویل داده و شرکت نیز با آمدن نمایندگان دولت قوام برای پیگیری موضوع، قول بهبود اوضاع را داد. شرکت که پذیرش درخواست پرداخت دستمزد روزهای جمعه را موکول به دریافت اجازه لندن کرده بود، موافقت خود را اعلام نمود و جنبش کارگران پایان یافت. اما پس از آن برخورد با فعالیت‌های توده‌ای و تحرکات کارگری در دستور کار قرار گرفت.

منابع و مأخذ

کتب:

- آبراهامیان، پرواند، (۱۳۸۸)، «ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)»، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر‌شانه‌چی، تهران، نشر مرکز، چاپ سیزدهم.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، «جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)»، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- بیات، کاوه، تفرشی، مجید، (۱۳۷۰)، «خاطرات دوران سپری‌شده (خاطرات و اسناد و یوسف افتخاری)»، تهران، انتشارات فردوس.
- پژوهش از جامی، (۱۳۵۷)، «گذشته چراغ راه آینده است»، بی‌جا، چاپ دوم.
- جمعی از پژوهشگران، (۱۳۸۷)، «حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- جوانشیر، ف.م، (بی‌تا)، «حماسه ۲۳ تیر (گوشه‌ای از مبارزات کارگران نفت خوزستان)»، بی‌جا، بی‌نا.
- ذبیح، سپهر، (۱۳۶۴)، «تاریخ جنبش کمونیستی در ایران»، ترجمه محمدریفی مهرآبادی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- ساتن، الول، (۱۳۷۲)، «نفت ایران»، ترجمه رضارئیس‌طوسی، بی‌جا، صابربین.
- شاکری، خسرو، (۱۳۸۴)، «پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و اکشاف سوسیال دموکراسی»، تهران، اختران.

- شوکت، حمید، (۱۳۸۵)، «در تیررس حادثه» (زندگی سیاسی قوام السلطنه)، تهران، نشر اختران.
- فاتح، مصطفی، (۱۳۸۴)، «پنجاه سال نفت ایران»، تهران، نشر علم.
- فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، «اتحادیه کارگری و قانون کار در ایران (۱۹۴۱-۱۹۰۰)»، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
- فوران، جان، (۱۳۸۹)، «مقاومت شکننده»، ترجمه احمدتدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، چاپ دهم.
- کیانوری، نورالدین، (۱۳۷۶)، «گفتگو با تاریخ»، تهران، نشر نگره.
- لاجوردی، حبیب، (۱۳۶۹)، «اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران»، ترجمه ضیاء صدقی، تهران، نشر نو.
- لسانی، ابوالفضل، (۱۳۵۷)، «طلای سیاه یا بلای ایران»، تهران، امیرکبیر.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۷۹)، «چپ در ایران (رضا روستا به روایت اسناد ساواک)»، کتاب پنجم، بی‌جا.
- مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۹)، «تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)»، چاپ چهارم، تهران، روزنه.
- وزیری، شاهرخ، (۱۳۸۰)، «نفت و قدرت در ایران (ازقنات تا لوله)»، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات عطائی.
- هالیدی، فرد، (۱۳۵۸)، «دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران»، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، امیرکبیر.

مقالات:

- «شورای متحده ایالتی خوزستان» (۱۳۲۶)، نشریه وزارت کار.

طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۸)، «درآمدی بر اتحادیه‌های کارگری خوزستان»، گفتگو، شماره ۲۵.

اسناد:

- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۴۶۵۱.

- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۳۰/۸۰۲۸.

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره کلاسه ۳۴۸۶۰۰۰۰۳.